

تجلی مؤلفه شهادت در سه اثر داستانی از راضیه تجار

(«ستاره من»، «گمان مبر که شعله بمیرد»، «محبوبه صبح»)

احمد سنجولی^۱، محمد مجوری^۲، شهلا کلبعلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

چکیده

راضیه تجار یکی از نویسندگان فعال در حوزه دفاع مقدس است که آثار زیادی در مورد جنگ تحمیلی و رزمندگان به رشته تحریر درآورده است. تجار در بین نویسندگان معاصر با نوشتن کتاب‌های متعدد در عرصه ادبیات پایداری، تعهد خود را نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌ها نشان داده است و شورآفرینی و جانفشانی رزمندگان را به نحو شایسته و بایسته ترسیم کرده است. کوشش‌ها و مسئولیت‌پذیری او در عرصه داستان‌های دفاع مقدس قابل توجه است. این مقاله تلاش دارد، با بررسی آثار منتخب از دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود، جلوه‌های شهادت را در هر کتاب، بررسی نماید و به این سوال که فرهنگ شهادت در هر کتاب چگونه با چه ویژگی‌هایی جلوه‌گری می‌کند، پاسخ دهد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است و نتایج حاصل ضمن بیان کردن اعتقاد عمیق این بانوی نویسنده به این مقوله و اشاعه فرهنگ شهادت‌طلبی که از ضرورت‌های فرهنگی جامعه امروز در تقابل با فرهنگ‌های بیگانه، می‌باشد. جلوه‌های گوناگون کاربرد مؤلفه شهادت را با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی، در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، متعلق به دهه هشتاد، بیشتر از دو اثر دیگر، نشان داده است.

کلید واژه‌ها: شهادت، راضیه تجار، ستاره من، گمان مبر که شعله بمیرد، محبوبه صبح.

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل.

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل.

۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل.

۱- مقدمه

شهادت، زیباترین و معنوی‌ترین کلمه‌ای که در فرهنگ مقاومت و مبارزه می‌تواند انسان‌های آزاده و مجاهدان راه حق را به پاداشی ابدی و در خور نائل گرداند آیات قرآن مبین بزرگی مقام شهید در نزد پروردگار است: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً بل احياء عند ربهم یُرزقون.» (آل عمران: ۱۶۹). شهادت انتخابی آگاهانه است که مجاهد با همه آگاهی و منطق و شعور خود بر می‌گزیند. (شریعتی، ۱۳۶۰: ۱۹۲)

شهید، در واقع «ناموس اکبر الهی یعنی شاهی که دین الهی را آگاهانه شناخته و عارفانه در حیات، با جان و در ممات با شهادت و خون پاسداری می‌کند.» (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۶) اوست که انسان ساز و تاریخ ساز است.

راضیه تجار، متولد ۵ آذر (۱۳۲۶) در تهران به دنیا آمد. و در رشته کارشناسی روانشناسی فارغ التحصیل شد و از معلمان بازنشسته آموزش و پرورش می‌باشد. او مانند سایر نویسندگان بعد از انقلاب، از تحولات جامعه به دور نبوده و آثاری متفاوت از قبل خلق کرده است. آثاری که از جنبه‌های جسمانی و مادی فراتر رفته و به جست و جوی مخاطب والاگرا، پاسخ داده است. این نویسنده متعهد از شهدای قبل و بعد از انقلاب و مخصوصاً شهدای جنگ تحمیلی می‌نویسد. در کتاب‌های داستانی راضیه تجار، آرمان‌گرایی و معنویت رزمندگان به وفور دیده می‌شود و ویژگی‌های ادبیات انقلاب را می‌توان در آثار او دید مانند: آرمان‌گرایی - مردمی‌بودن - تمثیلی بودن - دارا بودن محتوای دینی و مذهبی و پایبند نبودن به قالبی خاص. (ن.ک. امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۹۵)

او از شهادت و زندگی رزمندگان و ایثارگرانی سخن می‌گوید که در راه عشق، برای اعتلای وطن و پاسداشت دین و سیره پیامبر (ع) و امام حسین (ع) سخت‌ترین شداید را متحمل گشته‌اند. راضیه تجار با علاقه و باورمندی عمیق و خالصانه نوشتن از شهدا را دوست دارد و حتی در سال‌های اخیر نیز شوق و اشتیاق خود را در نوشتن از شهدا و مدافعین حرم همچنان حفظ کرده و با آنان در مسیر مبارزه همراه شده است. او ادبیاتی هدفمند و متعالی را برگزیده است. ادبیاتی که «در ذات آن حقیقت‌خواهی و امید به آینده همواره فرا روی خالق اثر - و بطن متن ادبی - وجود دارد» (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴۶۶) و جلوه‌گاه بصیرت و اندیشه‌ورزی است و افق‌های روشن امید به

آینده را در نسلی پویا و مبارز می‌پروراند و «متضمن رهایی و رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند» (سنگری، ۱۳۸۶: ۷).

شهید، این واژه مقدس و سرخ‌گون، در آثار داستانی راضیه تجار جایگاه والایی دارد. او با جمع‌آوری خاطرات رزمندگان و شهدا به بازنویسی واقعیت‌های جنگ دست زده و ذکر نام شهدا و بیان فضایل اخلاقی شهدا و نحوه شهادت آنان را بر مبنای واقعیت؛ اما با قلمی هنرمندانه به تصویر کشیده است.

تجار، به خوبی می‌داند که «هدف ادبیات مقاومت جلوگیری از انحراف در ادبیات و شکوفایی تدریجی آن است.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) و نوشتن از شهید و جانفشانی‌های شهدا، بستری برای تحرک و پویایی جامعه است و تغافل از ذکر یاد و نام شهدا و آشنا نشدن نسل جوان با رشادت‌های آنان تبعات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

فضای معنوی حاکم بر این سه کتاب قرار داشتن در حوزه ادبیات پایداری و معیارهای داستانی مشترک و تعلق داشتن آنها به سه دهه مختلف، در مقایسه با یکدیگر و سبک و قلم زنانه و لطیف و نثر شاعرانه تجار در به نمایش گذاشتن ادبیاتی ظاهراً مردانه و اینکه تاکنون تحقیقی در مورد این موضوع در آثار ایشان دیده نشده است، ما را بر آن داشت که در این آثار به مطالعه و پژوهش بپردازیم.

اغلب پژوهش‌هایی که در مورد آثار داستانی راضیه تجار صورت گرفته، معمولاً به جنبه‌های ساختاری، بررسی عناصر داستانی و تصویرزن و امثال آن اختصاص دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: قانع عزآبادی (۱۳۹۵). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش به «تصویر زن سنتی و مدرن در رمان‌های زویا پیرزاد و راضیه تجار» پرداخته و معتقد است؛ زنان در داستان‌های پیرزاد در کشمکش دائم با خود در پی کشف هویت هستند؛ اما در داستان‌های تجار در برابر تقدیر و سرنوشت موضعی منفعل دارند. کلبعلی (۱۳۹۶). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی مؤلفه‌های پایداری در آثار داستانی راضیه تجار» در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰، پرداخته و معتقد است که سیر تحول مؤلفه‌های ادبیات پایداری در آثار تجار با توجه به شرایط خاص هر دهه متفاوت بوده و در کل روند افزایشی دارد. مرادی (۱۳۹۷). در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد فمینیستی آثار داستانی راضیه تجار و گلی ترقی» به این نتیجه رسیده است که هر دو نویسنده توجه آگاهانه به زنان

داشته‌اند؛ اما توجه گلی ترقی، به فمینیسم و اصول آن بیشتر بوده‌است. عرب یوسف آبادی و کلبعلی (۱۳۹۷). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک زنانه در رمان کوچه اقا قیا» ضمن بررسی مؤلفه‌های سبک زنانه در کتاب «کوچه اقا قیا» به این نتیجه رسیده‌اند که این اثر مؤلفه‌های سبک زنانه را از کاربرد کلمات، رنگ‌ها و به تعریض سخن گفتن و ... داراست؛ ولی فضای اجتماعی و فرهنگی و وجود مرد سالاری در دهه‌های پیش از انقلاب بر سرنوشت زنان سایه گسترده‌است. زارع پستکی زاد و جابری نسب (۱۳۹۸). در مقاله‌ای به نام «سیمای زن در مجموعه داستان‌های کوتاه راضیه تجار» به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در سیطره نظام مردسالاری قرار دارند و به هیچ کس اعتماد ندارند و هیچ گونه استقلال شخصیتی نداشته و همواره مورد تهدید قرار می‌گرفتند. عزیززاده خیاط و همکاران (۱۳۹۸). در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان در آثار داستانی راضیه تجار» معتقدند که زنان در داستانهای تجار، در بند و تسلیم و محصور به خانه، ناامید تنها و پر اضطراب هستند. چنانچه ملاحظه می‌شود، اغلب پژوهش‌های صورت گرفته، به بررسی جنبه‌های زنانه و یا بررسی عناصر داستان و امثال آن، اختصاص یافته و پژوهشی که به بررسی مسأله شهادت در آثار داستانی راضیه تجار پرداخته‌باشد، مشاهده نشد. لذا در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی، سه اثر داستانی از سه دهه (۷۰-۸۰، ۹۰) انتخاب گردیده و از حیث کاربرد مؤلفه شهادت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۱- روش تحقیق

این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر روی سه کتاب از دهه‌های مختلف راضیه تجار «ستاره من»، «گمان مبر که شعله بمیرد» و «محبوبه صبح» انجام گرفته‌است. در ابتدا آنچه مربوط به واحد معنا بود، مشخص و فیش برداری و تقسیم‌بندی شد و بعد با روش تحلیل محتوا از جنبه کیفی و کمی و آماری تجزیه و تحلیل گردید و جداول و نمودارهای کیفی و آماری آن آماده گردید.

۲- بحث

۲-۱- معرفی آثار منتخب

۲-۱-۱- «ستاره من»

این کتاب در سال ۱۳۷۶ برای اولین بار به چاپ رسید. ماجرای این کتاب بلند و رمان گونه به زندگی و نحوه شهادت سردار شهید حمید عرب نژاد، از سرداران شهید استان کرمان می‌پردازد. زادگاه این شهید «خانوک» نام دارد. این اثر فعالیت‌ها و مبارزات او را قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهد.

۲-۱-۲- «گمان مبر که شعله بمیرد»

این کتاب از کتاب‌هایی است که نویسنده آن را در سال ۱۳۸۱ بر اساس زندگی سردار شهید محمد سلیمانی از «درجه» اصفهان نوشته است. این کتاب شامل هشت داستان به ترتیب است: ۱- بنویس کاتب ۲- درخت گیسو پریشان ۳- قایق برای همیشه ۴- جایی دور همین نزدیکی‌ها ۵- مقتل ۶- هدیه شب تولد ۷- ستاره و سیم خاردار ۸- آئینه و انار. نویسنده به شرح اخلاقیات و رشادت‌های و خاطرات شهید تا زمان شهادت ایشان پرداخته است.

۲-۱-۳- «محبوبه صبح»

این کتاب در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسید اما داستان آن درباره واقع سیاسی قبل از انقلاب است. زندگی و نحوه شهادت محبوبه دانش آشتیانی، دختر هفده ساله انقلابی از تهران را به تصویر کشیده است که در واقعه هفده شهریور سال ۵۷ به فیض شهادت رسیده است.

۲-۲- تجلی شهادت در آثار منتخب راضیه تجار

۲-۲-۱- کاربرد نمادین واژه شهید

کاربرد رمز و نماد، از مواردی است که در آثار راضیه تجار دیده می‌شود و خواننده باید در رابطه این کاربرد رمز گونه تأمل کند؛ زیرا «نماد در معنای اولیه خود همان نیمه پنهان چیزی است، نیمه‌ای که خواننده همواره در پی کشف آن است.» (Chevalier, ۱۹۶۹: ۴۵۲)

۲-۲-۱-۱- خورشید

خورشید، نمادی از سرچشمه حیات و کمال نهایی انسان. (ن. ک: سرلو، ۱۳۸۹: ذیل خورشید)

و راضیه تجار نیز آن را در همین معانی به کار برده است و بیانگر این نکته است که شهدا با پیوستن به نور به کمال نهایی خود می‌رسند. در کتاب «ستاره من» همسر حمید، آسمان خانوک را در روز تشییع جنازه حمید چنین توصیف می‌کند: «جمعیت که با من هم صدا شد، به آسمان نگاه کردم. ستاره‌ای نبود؛ اما خورشیدی در آسمان خانوک می‌درخشید.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

۲-۲-۱-۲- ستاره

راضیه تجار، شهید را ستاره می‌خواند از آن جهت که شهید هدایگر اجتماع است. در کتاب «ستاره من» وقتی پیکر هفتاد شهید را آوردند. همسر عرب نژاد با خود می‌گفت: «ستاره من در کدام تابوت خفته؟» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱) در کتاب «گمان مبر که شعله بمیرد» نیز تجار، شهدا را ستارگان می‌داند که در دشت های خونین مبارزه پراکنده‌اند و با چهره‌ای سرخ و تنی پاره پاره به هدایت ما مشغول‌اند: «توجه توجه به تمام پرسنل نیروی زمینی سپاه، ستاره‌ها را از روی سیم خاردارها جمع کنید.» (تجار، ۱۳۸۱: ۹۹)

۲-۲-۱-۳- پرنده

تجار، روح شهید را پرنده‌ای می‌داند که تمامی تعلقات مادی را رها کرده و هستی او در پرواز الی الله است «به باور صاحب فرهنگ نمادها ارواح شهدا به شکل پرنده‌ای سبز رنگ به بهشت پرواز می‌کند.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۲۰۰)

در کتاب «ستاره من» نیز همسر حمید عرب‌نژاد راجع به شهادت حمید می‌گوید: «او مثل پرنده‌ای بود که اگر نمی‌پرید، زنده نبود.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

تجار، شهدا را سبکبالانی می‌داند که به سوی موطن اصلی خود مهاجرت کرده و از تنگنای عالم مادی رها شده‌اند و مردم را محتاج به دعای آنان: «التماس دعا پرنده مهاجر.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

۲-۲-۱-۴- کبوتر

در عرفان اسلامی نیز «یکی از مهم‌ترین معانی پرنده، روح یا جان انسان است؛ بدین معنا که روح به صورت ذات بالدار تصور شده که به سوی عالم افلاک که موطن اصلی اوست، پرواز می‌کند.» (صرفی، ۱۳۸۶: ۵۶) تجار، نیز ارواح شهدا را کبوتر می‌خواند. آنجا که پسر بچه‌ای به

دنبال کبوتران می‌دود «پی هزاران کبوتری که بر فراز تابوت‌ها می‌چرخند.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۳)
تجار، از پر کشیدن پرنده‌ای می‌گوید که سزاوار قفس جسم و گنبد شیشه‌ای دنیا نیست و
تعلق به روضه رضوان دارد. او روح شهید را همچون کبوتری می‌داند. در تقلائی رهایی و پرواز
است و کبوتر اگر با نشانه‌های معنا شناسی مناسب خود مانند:

«قفس، پرواز، کوچ، رهایی، اوج و آشیان همراه شود، بافتی می‌سازد که می‌توان تأویل‌های
گوناگونی از آن کرد؛ از جمله نماد انسانهای آزاده و رها از تعلقات، روشنفکران و انقلابیونی که
همواره به فکر رهایی از اوضاع نامساعد و خفقان حاکم بر جامعه هستند.» (پورنامداریان و
همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱) محبوبه خواب دید. «خواب کبوتری که در زیر نورگیر گنبد شیشه‌ای
گیرافتاده بود و هر چه سر به شیشه می‌کوبید، راه خروج نمی‌یافت. تا اینکه دستی در ریچه کوچکی
را باز کرد و کبوتر پر کشید.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

۲-۲-۱-۵-آب

تجار شهدا را در پاکی همچون آب می‌داند؛ زیرا چون آب رونده و سیال و پویا هستند: «مثل
آبی بود که اگر جاری نمی‌شد، بوی زندگی را نمی‌داد.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۲-۲-۱-۶-گل

۲-۲-۱-۶-۱-گل سرخ

گل سرخ در سخن تجار، نماد خون مطهر شهداست. ، تجار هر چند گل را با نام گل‌های
متفاوت به کار برده است؛ اما تمامی این تفاوت‌ها در یک نقطه ختم می‌شوند و آن تداعی معنای
شهید و زیبایی ارواح شهدا است.

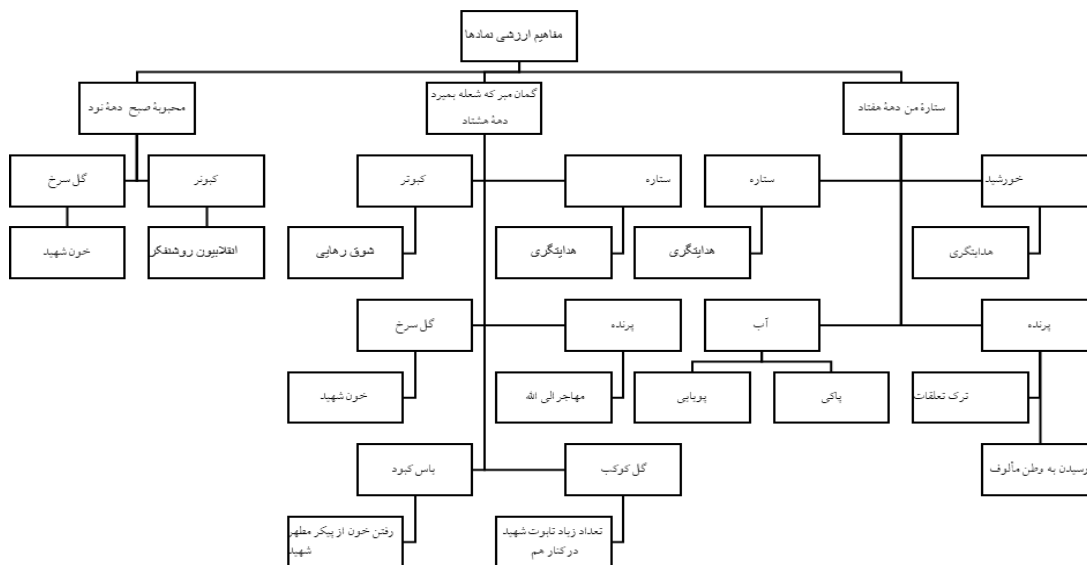
مردم در تشییع پیکر شهدا، شعارشان این بود «این گل پرپر از کجا آمده.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)
همچنین در کتاب محبوبه صبح: «روی پیراهن چهار خانه‌اش یک گل شکفت؛ یک گل سرخ.»
(تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

۲-۲-۱-۶-۲-گل کوکب

تجار، برای بیان تعداد زیاد تابوت‌های شهدا نیز چنین می‌گوید: «در کنار هم روی هم. گلی با
پره‌های بسیار، مثل گل کوکب.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

۲-۲-۱-۳-۶-۳- یاس کبود

کاربرد نمادین دیگری که تجار، از شهدا دارد: « آن موقع که دارد خون از بدنش می‌رود، که یواش یواش دارد می‌شود مثل یاس کبود.» (همان: ۱۰۲) (۱)



۲-۲-۲- آوردن پیکر مطهر جامانده شهدا

تجار، در کتاب « ستاره من » متعلق به دهه هفتاد، دلواپسی حمید عرب‌نژاد را برای آوردن پیکر جامانده مطهر شهدا بیان می‌کند:

«وضعیتی بسیار آشفته پیش آمده بود. حمید دستور داد: - چرا متوجه نیستید؟ دشمن بعداً کلی تبلیغ می‌کند. بعد رو به چند نفر کرد:

- لباس کردی بپوشید و بروید آنها را بیاورید. تعدادی از بچه‌ها با وجودی که سخت خسته بودند، لباسشان را عوض کردند و برای آوردن شهدا رفتند.» (تجار، ۱۳۸۷: ۴۵)

ابوشهاب گفت: «واقعاً خفت بار همین طوردست روی دست بگذاریم و بگذاریم آن وسط پیوسند.» (تجار، ۱۳۸۱: ۳۴) (۲)

۲-۲-۳- توصیف پیکر شهدا

راضیه تجار، به توصیف پیکرهای مطهر شهدایی پرداخته است که از کتف‌های زخمیشان هنوز هم خون تازه در رگ‌های اجتماع می جوشد. وقتی حمید را پیدا کردند: «قسمتی از بدنش زیر خاک داغ بود؛ اما از کتفش خون تازه ریخت. دست در جیبش کردم و گواهی نامه‌اش را بیرون آوردم. خودش بود.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

تجار، یاس‌های کبودی را توصیف می کند که فقط یک پلاک بر استخوان‌های خاک گرفته آنان پیداست: «آن موقع که دارد خون از بدنش می رود، که یواش یواش دارد می شود مثل یاس کبود و من می بینم استخوان‌های خاک گرفته، بدن‌های سوخته و پوسیده و در بعضی یک پلاک.» (همان: ۱۰۲) (۳)

۲-۲-۴- ذکر تعداد شهدا

ذکر تعداد شهدا نیز از مواردی است که در قلم واقع گرای تجار می توان دید. بعد از عملیات « تنها ده نفر از سیصد نفری که همراه حمید بودند، به عقب برگشتند. بچه‌ها در نهایت ایثار شهید شده بودند. البته تا چهار پنج روز از او بی خبر بودیم.» (همان: ۱۰۳)

تجار، گاه مستقیم و گاه با استفاده از کلمات مبهم تعداد شهدا را اعلام می کند تا بدانیم که چه تعداد از فرزندان این مرزوبوم در راه خدا به شهادت رسیده‌اند. «پنج نفر از مسئولین لشکر آن جا بمانند برای دفع پاتک‌های دشمن. از این پنج نفر یکی هم من بودم... از جمع ما سه نفر شهید شد و یکی مجروح.» (تجار، ۱۳۸۱: ۷۸) (۴)

۲-۲-۵- توصیف نحوه شهادت

تجار با توصیف نحوه شهادت، مرگ را نقطه آغازی برای زندگی شهدا می داند: «وقتی که خمپاره به چند جای بدنش اصابت کرده و دست و انگشتانش و نیمی از سرش را متلاشی کرده بود. با این همه احساس می کردی که او تازه زنده شده است.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

«کوتاه‌ترین جمله‌ای که درباره شیوه نویسنده تجار می توان گفت این است که او به وسیله کلمات نقاشی می کند» (آرمین، ۱۳۷۴: ۱). همچنان که با ظرافت و هنرمندی نحوه شهادت

محبوبه دانش را به تصویر کشیده است: «روی پیراهن چهار خانه اش یک گل شکفت؛ یک گل سرخ که لحظه به لحظه شکوفاتر می شد.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۳) (۵)

۲-۲-۶- کاربرد آیات مربوط به شهادت

۲-۲-۶-۱- کاربرد آیه ۶۹ سوره نساء

تجار در کتاب «ستاره من»، با کاربرد این آیه شریفه، شهدا را صادقانی وارسته می داند. همسر حمید عرب نژاد، در روز تشییع جنازه حمید و برای شادی روح او مقاله ای خواند: «پشت بلندگو رفتم و خواندم: بسم رب الشهداء.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

۲-۲-۶-۲- کاربرد آیه ۱۵۶ سوره بقره

راضیه تجار، از آیه شریفه ۱۵۶ سوره بقره برای بیان مرگ یا شهادت افراد، بهره جسته است: «سلام حاج خانم. من خادم مسجد ابن عقیلم. خواستم خبری بهتان بدهم. انا لله و انا الیه راجعون.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

۲-۲-۷- تشییع پیکر مطهر شهدا

تجار، در واگویی همسر حمید از ما می خواهد که قدردان شهدا بوده و در این راه خستگی ناپذیر باشیم. «آخر، کوچه های خانوک همه سنگ بودند و حالا حمید شهید شده بود و من باید دنبال جنازه می رفتم. من باید خسته نمی شدم. باید آهسته نمی رفتم. حمید. حمید. حمید.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

او از حقی می گوید که شهدا بر گردن ما دارند و «از همین جهت هم عکس العمل بشریت و ابراز عواطف بشر درباره آنها بیش از دیگران است.» (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۳: ۴۳) تجار، در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، نیز ناباورانه از قدردانی و استقبال مردم، از شهدایی می نویسد که با شرافت در پرچم کشور خویش پیچیده شده اند و در حافظه شهر مانده اند: «می دانستم که می آوردندشان. آنها را، پیچیده در پارچه سرخ و سفید و سبز. اما باورم نمی شد. مردم اینطور به پیشوازشان می آیند. سراسیمه... مدت ها بود گمان می کردم تهران حافظه اش را از دست داده است.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۱) (۶)

۲-۲-۸- وصیت نامه شهدا

نوشتن وصیت نامه، از «پدیده های جدید ادبی که مولود انقلاب و سال های دفاع مقدس اند و پیش از این در گذشته ادبی ما بسیار نادر و اندک یاب بوده اند؛ مانند وصیت نامه ها، سنگر نوشته ها، لباس نوشته ها و کوتاهه نگاری جبهه.» (سنگری، ۱۳۹۱: ۲) رزمندگان مؤمن در خط مقدم نیز در داستان های تجار، وصیت نامه خود را، چون نامه سرگشاده ای نوشته اند که مخاطبش تمام مردم ایران هستند:

«زن های فامیل در خانه مان جمع شده بودند و آتش می پختند؛ برای سلامتی رزمندگان... یک مرتبه یکی از بچه ها داد کشید: - مژدگانی ... مژدگانی بدهید... نامه رسید... زهرا خانم، نامه را بلند بلند می خواند و زن ها اشک می ریختند.

- حمید دیگر بر نمی گردد. این نامه نیست، وصیت نامه است.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۱)
تجار، وصیت نامه شهدا را نقطه شروع و آغاز راهی برای نسل های آینده می داند: «و روزی نقطه شروع را روی کاغذ می گذاری. بسم رب الشهداء....» (تجار، ۱۳۸۱: ۹) (۷)

۲-۲-۹- میثاق با شهدا

تجار معتقد است که شهدا هویت خویش را در رسیدن به لقاء الله بازیافته اند و هدایتگران مردم به سوی خویشتن واقعی خویشند و باید برای آسمانی شدن با آنان پیمانی محکم ببندیم و راهشان را ادامه دهیم: «جمعیت خاموش شد. حالا تنها صدای فریاد من بود که به گوش می رسید. حمید خود را پیدا کرده بود. از صدای خودم، من نیز خود را پیدا می کردم: شهیدم راحت ادامه دارد.» (همان: ۱۳۱) تجار، مسئولیت فرزندان شاهد را در این مورد دوبرابر می داند و پرچم رسالت پدران را بر دوش آنان می نهد: «پدر! اطمینان داشته باش پرچمی را که تو بر زمین گذاشتی من و دوستانم به دوش خواهیم گرفت.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۸) (۸)

۲-۲-۱۰- غبطه بر شهدا

تجار، شهر را در فراق یاران شهید زندانی برای حمید عرب نژاد می داند و او را در غبطه بر شهدا، پیش گام عمل به آیه «فستبقوا الخیرات» می داند: «- نمی توانم در شهر بمانم. وقتی تمام دوستانم شهید شده اند، چطور در شهر بمانم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

۲-۲-۱۱- شهدا شافعان محشر

در حدیثی از رسول الله به عظمت و بزرگی شهید اشاره شده است: «شَفَعَ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِهِ» شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. (متقی، ۱۴۳۱: ۴۰۱) تجار، با بیان شفاعت گری شهدا، یادآور این حدیث نبوی می گردد. آنجا که حمید به سید احمد مهدوی هم‌رزم خود، که زخمی شده بود گفت: «اگر شهید شدی شفاعت ما را هم بکن.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷)

۲-۲-۱۲- رفتن به مزار شهدا

بعضی از مکان‌ها علی‌الخصوص مکان‌هایی که ریشه در فرهنگ و باورهای ما دارند باعث برانگیختن احساس و تقویت هویت دینی و فرهنگی می گردد. «بعضی از مکان‌ها با تفسیر، روایت، ادراک، احساس، فهم و تصویر مردم است، که واحد معنا می شوند.» (سوجا، ۱۹۹۶: ۱۵) راضیه تجار، معتقد است که برای فراموش نشدن ارزش‌های شهدا و زنده ماندن یادشان باید بر مزار آنان حاضر شویم: «حالا به دیدنش آمده‌ام؛ به دیدن مزارش؛ تا با فاتحه‌ای یادش را زنده کنم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷) (۹)

۲-۲-۱۳- آرزوی شهادت

تجار در آثار خود، نهایت رضایتمندی و شوق رزمندگان از رفتن به جبهه را نشان می‌دهد و راز جذب دل‌ها توسط شهدا را اتصال آنان به نور می‌داند وقتی حمید عرب‌نژاد عازم میدان می‌شود: «هیچ وقت ندیده بودم که این همه دوست داشتنی شود و مهرش به دلم بنشیند. بی‌قرار بود و برای رفتن نفس نفس می‌زد.» (همان: ۱۲۸) همچنین راضیه تجار معتقد است که شهدا دنیا را قفسی جانفرسا می‌دانستند و شهادت را تنها راه رهایی از این زندان: «محمد به مادر گفت: دوستانم همه پر زدند و من ماندم در این قفس، مادر دعا کن من هم شهید شوم.» (تجار، ۱۳۸۱: ۳۰) (۱۰)

۲-۲-۱۴- بیان اخلاق و فضایل شهدا

۲-۲-۱۴-۱- ایثارگری شهدا

تجار، آیه شریفه تَنْفَقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ را تداعی می‌کند و بیان می‌دارد که شهدا از بذل بالاترین

چیزهایی که دوست دارند، در راه حق دریغ نمی کنند:

«شب قبل حاج قاسم سلیمانی، حمید را صدا زد.

- نیروهایت را به جبهه غرب بکشان.

حمید کمی تأمل کرد. پیدا بود که فکر می کند. بعد سربلند کرد و گفت: - مشکلی نیست که بچه ها شهید شوند؟

حاج قاسم گفت: - نه، مشکلی نیست؛ چون من سؤال کرده ام. باید هر طوری که هست، دشمن را سرگرم کنیم تا بچه ها خرمشهر را آزاد کنند.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۲)

در داستان کوتاه «آئینه و انار» از کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، تجار رشادت ها و ایثارگری محمد سلیمانی را بیان کرده است:

«- حاج مرادی یک گشتی بز نیم توی حلبچه.

- گشت بز نیم؟! شوخی می کنی برادر سلیمانی شیمیایی زدن.

- غیرممکنه.

- چرا... چرا بویش را حس نمی کنی؟

- راست می گی خودش.

- ولی ما که یک ماسک بیشتر نداریم.

- بی خیال... شما بز ن.

- نه شما بز ن.

- شما بز ن که مداح اهل بیتی. من با چفیه ام خوشم.» (همان: ۱۰۸)

۲-۲-۱۴- رفتار انسانی با اسیران

رفتار درست با اسیران جنگی در اسلام توصیه شده است. در داستان «ستاره و سیم خاردار»، تجار رفتار انسانی رزمندگان، با آنان را به تصویر می کشد: «اسرا به خط بهشان آب بدید.» (همان: ۹۴) (۱۱)

۲-۲-۱۴-۳- تأثیر گذاری شهدا

تجار، در این سه اثر دو نوع تأثیر گذاری از شهدا را نشان می‌دهد. تأثیر شهدا بر مردم و تأثیر شهدا بر کائنات.

۲-۲-۱۴-۱- تأثیر گذاری شهدا بر جامعه

فردی که اکنون دانشجویی پزشکی است با دیدن عکس شهید عرب‌نژاد چنین می‌گوید:
« روزی صاحب این عکس، مرا از داخل خانه‌ای که مورد هجوم قرار گرفته بود، نجات داد. سال‌ها اسم این فرد را نمی‌دانستم و خیلی دلم می‌خواست، بدانم که کیست. وقتی این عکس را دیدم و فهمیدم صاحبش شهید شده است، ناجی خود را شناختم؛ اما افسوس که.»
(تجار، ۱۳۸۷: ۴۲)

تجار در کتاب محبوبه صبح، شهدا را حلقه‌های بیدارکننده مردم میدانند: «چهل‌م هر شهید شروع تظاهراتی دیگر بود. انگار دستی زنجیری را تکان می‌داد؛ زنجیری که هر حلقه‌اش حلقه دیگر را چسبیده و تا بی نهایت پیش رفته بود.» (تجار، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲-۲-۱۴-۲- تأثیر شهدا بر کائنات

تجار، ارواح مطهر شهدا را مؤثر در کائنات می‌پندارد: «هر وقت شهیدی به درجه می‌آوردند. درخت انارهایش را به زمین می ریخت. انارها پاره پاره می شد و زمین پر می شد از دانه‌های سرخ.» (تجار، ۱۳۸۱: ۲۵) (۱۲)

۲-۲-۱۵- مقرب بودن شهدا

تجار شهادت را لیاقتی می‌داند که نصیب برگزیدگان می‌شود؛ زیرا «شهید گام در راهی می‌نهد که آگاهانه برگزیده است و این انتخاب آگاهانه، وی را جاودانه می‌سازد و به کاری که انجام داده رنگ و روی ابدیت می‌دهد.» (نیری، خیر اندیش، ۱۳۸۴: ۲۲)

سید احمد، هم‌رمز حمید، می‌گوید: حمله‌ای شد و زخمی شدم. سر یک سه راهی حمید را دیدم. جلو آمد و گفت: «عاقبت کار خودت را کردی!

– ما که لیاقت نداریم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷)

همچنین در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد: «عکست را که به مادرم نشان دادم، گفت: او

هم مثل «عبدالمجید» خودمان رفتنی بود. (تجار، ۱۳۸۱: ۵۵)

۲-۲-۱۶- احساس دین نسبت به شهدا

تجار معتقد است که برای ادای دین شهدا حتی سنگ هم گل می دهد. او از ما می خواهد که نسبت به شهدا، ادای دین کنیم. از هر قشر و در هر حرفه ای که باشیم و با هر وسیله ای که در اختیار داریم. حتی در شرایط سخت از دستاوردهای شهدا پاسداری کنیم. «همین که از تگه های گوشت و پوست و خونی که روی تکه سنگی یا تنه درختی فیلم نگرفتیم خیانت کردیم. فردا از خون شهید، همان سنگ گل می دهد.» (تجار، ۱۳۸۱: ۶۷) (۱۳)

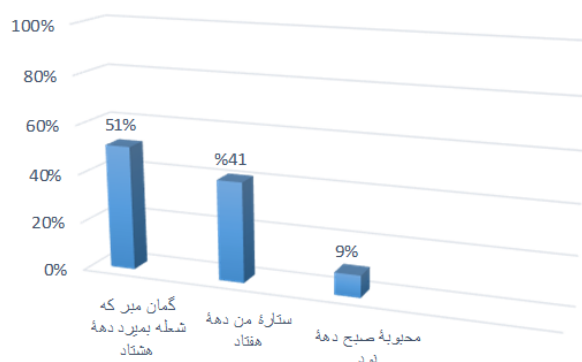
۲-۲-۱۷- اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت

یکی از وظایف افراد و اجتماعات در قبال شهدا، فرهنگ سازی و اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت با ثبت و ضبط و حفظ و انتشار خاطرات و رشادت های آنان است. تجار، در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، چنین می نویسد: «کجایی حاج حسین خرازی. گریه می کردی. گفتی بگو سلیمانی بیاید. مرا بردی بالای گودال. گفتی: کجایند مقتل نویسان؟! تا شهادت مظلومیت ما را بدهند.» (همان: ۱۰۷) (۱۴)

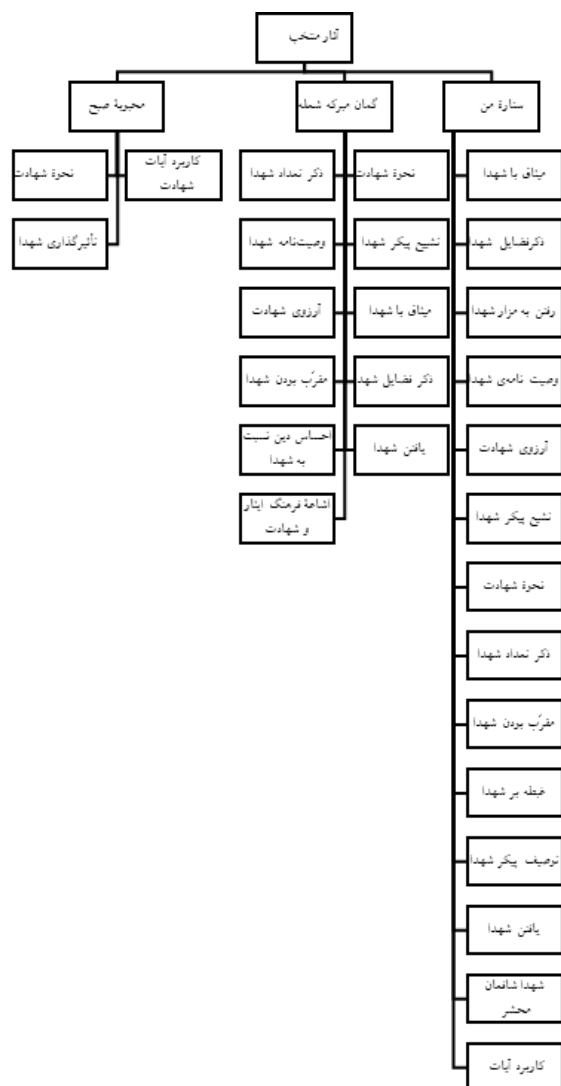
جدول ۱- تعداد و درصد کاربرد جلوه های شهادت در هر کتاب

نام کتاب	تعداد کاربرد	درصد	دهه
گمان مبر که شعله بمیرد	۶۰ مورد	۵۱٪	هشتاد
ستاره من	۴۸ مورد	۴۱٪	هفتاد
محبوبه صبح	۹ مورد	۸٪	نود
جمع کل:	۱۱۷ مورد	۱۰۰ درصد	

نمودار ۱- درصد و میزان کاربرد جلوه های شهادت در هر کتاب



جدول ۲- مفاهیم ارزشی مربوط به شهدا در آثار داستانی منتخب



۳- نتیجه گیری

شهادت و شهادت طلبی، یکی از مضامینی است که به عنوان مهم ترین مؤلفه های ادبیات پایداری در آثار راضیه تجار جلوه گری می کند. با مطالعه و بررسی سه اثر راضیه تجار، در سه دهه مختلف شهادت با ویژگی های: کاربرد نمادین واژه شهید، بیان اخلاق و فضایل شهدا، آوردن پیکر مطهر جامانده شهدا، توصیف پیکر شهدا، ذکر تعداد شهدا، توصیف نحوه شهادت، کاربرد آیات مربوط به شهادت، بیان تشییع پیکر مطهر شهدا، ذکر وصیت نامه شهدا، میثاق با شهدا، غبطه بر مقام شهدا، شهدا شافعان محشر، رفتن به مزار شهید، آرزوی شهادت، بیان تأثیر گذاری شهدا، برگزیده و مقرب بودن شهدا و در بُعد اجتماعی احساس دین نسبت به شهدا و اشاعه فرهنگ ایشار و شهادت از مواردی است که در سه اثر منتخب تبلور یافته است. با توجه به یافته ها بسامد جلوه های شهادت در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، ۵۱ درصد از کل می باشد و بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. زیرا در دهه هشتاد، نوشتن از ادبیات پایداری با اصول و ویژگی های فنی بیشتری در عرصه نویسندگی ظاهر شده است و قلم نویسندگان از قوام بیشتری در این دهه برخوردار است. کتاب ستاره من نیز، بعد از کتاب گمان مبر که شعله بمیرد قرار گرفته است. زیرا دهه هفتاد اصول فنی نوشتن کمتر از دهه هشتاد است و بیشتر جنبه واقع گرایی و خاطره نویسی مطرح است؛ اما این کتاب با اختصاص ۴۱ درصد از کل از بسامد بالاتری نسبت به کتاب محبوبه صبح، برخوردار است. کتاب محبوبه صبح، متعلق به دهه نود و داستان آن مربوط به شهادت دختری نوجوان در پیش از انقلاب است. این کتاب پس از بررسی کمترین بسامد ۹ درصد از کل را نسبت به دو اثر دیگر تجار به خود اختصاص داده است؛ زیرا در سال های نخستین دهه نود، با فاصله گرفتن از جنگ تحمیلی و دهه های آغازین آن، توجه به ادبیات پایداری با توجه به شرایط اجتماعی دگرگون شده و از دهه های دیگر با اقبال کمتری روبه رو گردیده است. در زمینه دفاع مقدس و بر روی آثار دفاع مقدس بانوان تحقیقات بیشتری انجام گیرد تا در جامعه کنونی با خلع های ایجاد شده در برخورد با فرهنگ مبتذل غربی نسل جوان را با شهدا و الگوهای ارزشی پیوند داد. پیشهاد می شود، درباره رشادت های زنان در طول هشت سال دفاع مقدس و نقش سازنده و بنیادی آنان در تربیت نسلی وارسته مطالعات علمی گسترده تری انجام شود و ارزش وجودی آنان در عرصه های علمی و فرهنگی و مبارزاتی بیشتر به جامعه شناسانده شود.

یادداشت‌ها

(۱). کاربرد نمادین واژه شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۹۷، ۹۸، ۹۹، ستاره من، ص ۱۱۵، ۱۲۱ دوبار، ۱۳۱، محبوبه صبح، ص ۸۰، ۱۰۲ / (۲). آوردن پیکر مطهر شهدای جا مانده: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۳۳، ۳۷، ۳۸، ستاره من، ص ۲۹، ۵۵-۵۴، ۷۶، ۱۰۳، ۱۱۴ / (۳). توصیف پیکر شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۴۵، ۷۶، ۸۱، ۱۱۴ / (۴). ذکر تعداد شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۳۶، ۴۲، ۹۰، ۱۳۷، ستاره من، ص ۱۱۵ / (۵). توصیف نحوه شهادت: ستاره من، ص ۵۷، محبوبه صبح، ص ۱۰۴، ۱۰۷ / (۶). تشییع پیکر مطهر شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۹۵، ۱۶۹، ستاره من، ص ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱ دوبار / (۷). وصیت‌نامه شهدا: ستاره من، ص ۱۲۹ / (۸). میثاق با شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۱۰۲-۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۰-۱۱۱، ۱۱۱، ستاره من، ص ۷۲ دوبار / (۹). رفتن به مزار شهدا: ستاره من، ص ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۰ دوبار، ۱۳۱ / (۱۰). آرزوی شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۲۸، ۶۹، ستاره من، ص ۱۲۶ / (۱۱). بیان اخلاق و فضایل شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۱۵، ۵۱، ۶۸، ۱۱۳، ستاره من، ص ۱۱۵ / (۱۲). تأثیر گذاری شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۲۹، ۶۷ / (۱۳). احساس دین نسبت به شهدا گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۶۵، ۹۴، ۹۷، ۱۰۹ / (۱۴). اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، ص ۸، ۹، ۲۹، ۷۴، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۱). نامهٔ پایداری ۴، مقالات چهارمین کنگرهٔ سراسری ادبیات پایداری. جلد دوم. کرمان: گرا.
- ۳- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- ۴- تجار، راضیه. (۱۳۸۱). گمان مبر که شعله بمیرد. چاپ اول. تهران: نسل کوثر.
- ۵- _____ (۱۳۸۷). ستارهٔ من. چاپ دوم. کرمان: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لشکر ۴۱ ثارالله.
- ۶- _____ (۱۳۹۳). محبوبهٔ صبح. چاپ اول. تهران: سورهٔ مهر.
- ۷- سجادی، جعفر. (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ ششم. تهران: طهوری.
- ۸- سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها. ترجمهٔ مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- ۹- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۶). پرسه در سایهٔ خورشید. چاپ دوم. تهران: لوح زرین.
- ۱۰- شریعتی، علی. (۱۳۶۰). حسین وارث آدم (مجموعه آثار ۱۹). تهران: انتشارات قلم.
- ۱۱- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۳۱). کنزالمعال فی سنن الاقوال و الأفعال. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۲- محمودی، محمد علی. (۱۳۷۷). مجموعهٔ مقالات. چاپ اول. زاهدان: کنگرهٔ بزرگداشت سرداران و شهدای استان سیستان و بلوچستان.
- ۱۳- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). حماسهٔ حسینی. ج ۳، چاپ دهم. تهران: صدرا.

مقاله‌ها

- ۱۴- آرمین، منیژه. (۱۳۷۴). «سفر به ریشه‌ها: تجار، نویسنده ای است که با کلمات نقاشی می‌کند». ادبیات داستانی. شماره ۳۸، صص ۴۸-۴۸.
- ۱۵- پورنامداریان، تقی و رادفر، ابوالقاسم و شاکری، جلیل. (۱۳۹۱). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». ادبیات پارسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال دوم، شماره اول، صص ۴۸-۲۵.
- ۱۶- سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). «ادبیات انقلاب اسلامی». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. شماره ۱۰۴، صص ۳-۲.
- ۱۷- رحماندوست، مجتبی. (۱۳۷۹). «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها». دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. شماره ۴، صص ۴۸۶-۴۶۵.
- ۱۸- صرفی، محمد رضا. (۱۳۸۶). «نماد پرندگان در مثنوی». پژوهش‌های ادبی کرمان. دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۷۶-۵۳.
- ۱۹- نیری، محمد یوسف و خیراندیش، مهدی. (۱۳۸۴). «شهید و شهادت در عرفان اسلامی». ویران‌نامه زبان و ادبیات فارسی تهران. شماره اول، (پیاپی ۴۲)، صص ۳۲-۱۹.
- ۲۰- Chevalier, J. (۱۹۶۹). *Pictonnuire des symbols*. Paris: Edition Laffont.
- ۲۱- Soja, E. V. (۱۹۹۶). *Thirds Pace: Jou rney. to Los Angles and other Real-and- Imagained places*. Cambridge, MA: Blackwell.